

# شناختنامه الذریعه

محمد اسفندیاری

پرداخت و در این کار، یکدل شد. گذشت زمان نشان داد که کار او، مؤثرتر و مانا تر است.

فقه، حدیث، تراجم و کتابشناسی، چهار رشته تخصصی شیخ آقابزرگ بود و در دو رشته اخیر بیشتر تحقیق و توغّل کرده بود. البته وی در فقه و حدیث مانند داشت و، حتی، عده‌ای از او برتر بودند، اما در رجال و کتابشناسی مانند نداشت و، حتی، کسی قابل مقایسه با او نبود و اعلم عصر بود. او را در حدود سی عنوان کتاب است که شامل هفتاد جلد می‌شود؛ اما در میان آنها، دو کتاب، یکی در رجال و آن یکی در کتابشناسی، از همه مفصلتر و مهمتر است: ۱. طبقات اعلام الشیعه، در یازده جلد، شامل شرح حال عالمان شیعه از قرن چهارم تا چهاردهم؛ ۲. الذریعه الی تصانیف الشیعه، در

محمد محسن، یا محسن، رازی، یا منزوی، نامبردار به شیخ آقا بزرگ تهرانی<sup>۱</sup>، در شب پنج‌شنبه یازدهم ربیع‌الاول ۱۲۹۳ در تهران به دنیا آمد. علم‌اندوزی را در شهر خویش آغازید و در سال ۱۳۱۵ قمری برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه نجف رفت. در سال ۱۳۲۹، پس از درگذشت آخوند خراسانی، به کاظمین و سپس در همان سال به سامرا کوجید و تا سال ۱۳۵۴ در آنجا بزیست. در سال ۱۳۵۴، دیگر بار، به نجف رفت و تا پایان عمر در آنجا بماند و در روز جمعه سیزدهم ذی‌حجه ۱۳۸۹ (برابر با دوازدهم اسفند ۱۳۴۸)، درگذشت و، بر پایه وصیتش، در کتابخانه‌اش، در نجف، به خاک سپرده شد. بدین‌سان، مردی که عمری در میان کتابها زیست، در میان کتابها سر به خاک نهاد.

شیخ آقابزرگ تهرانی در نزد عالمانی بزرگ، چون حاج میرزا حسین نوری، آخوند خراسانی، میرزا محمد تقی شیرازی و سید محمد کاظم یزدی، درس آموخت و دانش اندوخت. در فقه به درجه استنباط رسید، اما به تدریس نپرداخت و، در عوض، به تألیف روی کرد و در این عرصه بس جد و جهد نمود. در آن روزگار، اغلب عالمان بزرگ به تدریس می‌پرداختند و شماری از آنها، توأمان، تدریس و تألیف می‌کردند؛ اما شیخ آقابزرگ یکسره به تألیف

۱. در همین جا لازم است به توضیح چهار نکته درباره نام شیخ آقابزرگ تهرانی پرداخته شود: یکم اینکه نام شخصی وی محسن بود و او از خود گاه به این نام و گاه به نام محمد محسن یاد کرده است. اما وی محمد را جزء نام خود نمی‌دانست و آن را تبرکاً می‌نوشت. دوم اینکه منسوبان به شهر ری را رازی می‌گویند و چون شیخ آقا بزرگ در اطراف ری (تهران)، زاده شد، مدتی نام خانوادگی رازی را برای خود برگزید. همان‌گونه که وی کتابی با عنوان هدیه الزبازی الی المجده الثیرازی دارد و در الذریعه (ج ۲۵، ص ۲۰۷-۲۰۸، ش ۲۹۹)، به معرفی آن پرداخته است. نکته سوم اینکه نام خانوادگی او در شناسنامه، منزوی بود و در الذریعه (ج ۱۵، ص ۱۲۸، ش ۸۶۱)، به آن تصریح کرده است. و نکته چهارم اینکه سبب معروف شدن آقابزرگ به این نام (آقابزرگ)، این است که وی همنام جد بزرگ خود (محسن)، بود و تهرانهای قدیم کودکی را که همنام جد بزرگش بود، «آقابزرگ» می‌گفتند.

بیست و نه جلد، شامل معرفی کتابهای شیعه از قرن اول تا چهاردهم. و از این دو کتاب، الذریعه پربرگ و بارتر از طبقات است و نام شیخ آقا بزرگ یادآور نام آن.

الذریعه مشتمل بر بیست و شش جزء (جلد)، و جزء نهم آن شامل چهار قسم (جلد)، است که، به روی هم، بیست و نه جلد می‌شود. این کتاب در بردارنده نزدیک به دوازده هزار صفحه و زبیری است و در آن بیش از پنجاه و پنج هزار اثر شیعه معرفی شده و، به پندار من، دو-سه برابر این مقدار معرفی نشده است.<sup>۱</sup> تاریخ آغاز تألیف الذریعه، روز دحوالارض (۲۵ ذی‌قعدة) ۱۳۲۹ است<sup>۲</sup> و تاریخ پایان تألیف آن، کمی پیش از پایان زندگی مؤلف آن (۱۳۸۹ق)، است تاریخ چاپ جلد اول، ۱۳۵۵ قمری و تاریخ چاپ جلد بیست و پنج، ۱۳۹۸ و تاریخ چاپ جلد بیست و شش (مستدرکات)، ۱۴۰۵ است. جلد بیستم الذریعه در دست چاپ بود که دست اجل، مؤلف آن را از این خاکدان گرفت.

زبان کتاب الذریعه، عربی و زبان کتابهای معرفی شده در آن، عربی و فارسی و ترکی و اردو و گجراتی است. مبدأ تحقیق مؤلف، قرن اول هجری و منتهای آن، ۱۳۷۰ قمری است.<sup>۳</sup> یعنی کتابهایی که از قرن اول تا این تاریخ تألیف شده، در محدوده معرفی الذریعه بوده است. نوع تحقیق مؤلف، بیشتر کتابخانه‌ای و کمتر میدانی بوده است. یعنی مؤلف هم به کتابها و کتابخانه‌ها رجوع کرده و اطلاعاتی درباره کتابها به دست آورده و هم با رجوع به افراد مطلع، اطلاعاتی را، به صورت شفاهی، کسب کرده است. از اینجا نیز آشکار می‌شود که روش تحقیق مؤلف، هم بی‌واسطه و هم باواسطه بوده است. یعنی پاره‌ای از کتابها را، خود، بی‌واسطه، ملاحظه و معرفی کرده و پاره‌ای دیگر را، خود، ملاحظه نکرده و اطلاعات در باره آنها را از دیگران، به صورت شفاهی، و نیز از فهرستها، کسب کرده است. آخرین نکته اینکه الذریعه تقریباً کتابشناسی توصیفی است و، به دیگر بیان، جنبه توصیفی آن بر دیگر جنبه‌های غالب است. چه، برخی از کتابها در الذریعه توصیف نشده و فقط مشخصات کتابشناختی آنها ارائه شده و برخی دیگر توصیف و برخی دیگر تحلیل و بصراحت درباره آن ارزشداوری شده است. و از میان همه کتابها، بیشتر آن دسته از کتابهایی است که محتوای آن توصیف شده است. نتیجه اینکه الذریعه، از میان گونه‌های کتابشناسی، به کتابشناسی توصیفی نزدیکتر و شبیه‌تر است.

من در اینجا ضرور می‌شمارم که لختی درباره موضوع کتاب الذریعه سخن بگویم که از فرط نمان بودن، پنهان مانده است. زیرا همگان در معرفی این کتاب بدین اقتصار می‌کنند که بگویند «کتابشناسی» است. البته این تعبیر درست است، اما جامع و خالی از

مسامحه نیست و موجب این سوء تفاهم شده که الذریعه فهرستی تلنبار شده از نام کتابهاست؛ حال آنکه چنین نیست. آری، الذریعه کتابشناسی است و این حقیقت است، اما همه حقیقت نیست و حقیقت مهمتر در آن نیست.

پیش از پرداختن بدین مدعا، یاد کرد این نکته بایسته می‌نماید که کتاب به نوشته چاپی بین الدفتین (میان دو جلد)، گفته می‌شود. همچنین نسخه (Manuscript)، به نوشته خطی بین الدفتین و رساله به نوشته چاپی یا خطی مختصرتر از کتاب و نسخه، که بین الدفتین نیست، اطلاق می‌شود.<sup>۴</sup> باری، این تفاوت و تمایز، در تعریف دقیق کتاب و نسخه و رساله ملحوظ است.

بر این اساس، الذریعه، «کتابشناسی» (اولاً)، «نسخه‌شناسی» (ثانیاً)، «رساله‌شناسی» (ثالثاً) و «رجال‌شناسی» (رابعاً و استطراداً)، است.

اولاً کتابشناسی است و این «قولی است که جملگی برآندند.» زیرا کتابهای مطبوع در آن معرفی شده است.

۱. آری، چنین می‌نماید که دو-سه برابر آثار معرفی شده در الذریعه، در الذریعه معرفی نشده است؛ یعنی در حدود صد هزار تا صد و پنجاه هزار اثر. اما دکتر علی نقی منزوی، فرزند شیخ آقابزرگ، آثار معرفی نشده در الذریعه را کمتر از این مقدار می‌داند. وی در ضمن مقاله‌ای با عنوان «الذریعه و آقا بزرگ طهرانی» در مجله آینده (سال ششم، شماره ۷ و ۸، مهر و آبان ۱۳۵۹، ص ۵۹۲) گفته است: «به نظر من اگر ادبیات [آثار] شیعی را به دو بخش بزرگ فارسی و غیرفارسی تقسیم کنیم، باید قبول کنیم [کذا] که مرحوم پدرم از بخش غیرفارسی ادبیات شیعه ۹۷٪ را در این دایره المعارف [الذریعه] گردآورده یعنی از این بخش بیش از ۳٪ از قلم او نیفتاده است. اما در بخش ادبیات فارسی شیعه باید اذعان کرد که آن مرحوم موفق به گردآوری بیش از ۵۰٪ نشده است.»

۲. ر.ک: الذریعه. ج ۱۰، ص ۲۶، ش ۱۳۱. گفتنی است شیخ آقابزرگ در جلد دهم الذریعه، ذیل عنوان «الذریعه الی تصانیف الشیعه» (ص ۲۶-۲۷)، به معرفی مختصر کتاب خویش پرداخته است. وی در ضمن معرفی الذریعه از کمک فرزندش، علی نقی منزوی، در چاپ آن و افزودن مطالبی بر آن، یاد کرده است. اما، متأسفانه، جامعه علمی ما نه تنها سپاسگزار از منزوی نشد، بلکه خطاهای در الذریعه را از آن او دانست. تو گویی شیخ آقابزرگ «جایز الخطا» نبود و علی نقی منزوی «واجب الخطا» بود! حال آنکه تردیدی نیست پاره‌ای از خطاهای الذریعه فقط از قلم شیخ آقابزرگ تراوش کرده است و، البته، این هرگز از عظمت کار بزرگ او نمی‌کاهد، که گفته‌اند: من صنف فقد استهدف.

۳. ر.ک: الذریعه. ج ۸، ص ۲۹۶.

۴. در کتاب اصطلاحنامه کتابداری، در تعریف «نسخه خطی» آمده است: «کتابی دستنوشته که مخصوصاً مربوط به قبل از اختراع چاپ یا مربوط به همان زمان اختراع چاپ باشد و متمایز از سند، نامه یا پژوهشنامه‌ای است که با دست نوشته شده باشد.» همچنین در تعریف «کتاب» آمده است: «... طبق تعریف یونسکو کتاب معمولاً از ۴۸ صفحه بیشتر و به طور مستقل صحافی شده است. به کمتر از این مقدار جزوه یا رساله می‌گویند.» پوری سلطانی و فروردین راستین. اصطلاحنامه کتابداری. (ویرایش دوم: تهران، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۵). ص ۳۰۴ و ۲۲۸.

می‌خوانند، از جمله این نویسنده، چنین مقصودی از کتابشناسی دارند. اما نباید این تعبیر چندان تثبیت و کلیشه شود که موجب سوء تفاهم عمومی گردد و گمان شود الذریعه فقط فهرستی از کتابهای چاپی است و، بویژه، نسخه‌شناسی آن، که مهمتر از کتابشناسی است، نادیده بماند.

در پیش به تاریخ آغاز و پایان تألیف الذریعه اشاره کردیم: ۱۳۲۹-۱۳۸۹ ق. آنگاه که این دو تاریخ در کنار یکدیگر ملاحظه شود، تاریخ یک عمر به نظر می‌آید. و برآستی که این تاریخ یک عمر است؛ شصت سال. آری، شیخ آقابزرگ شصت سال از عمر خود را در کار کتاب الذریعه کرد<sup>۴</sup> و با رجوع به هزاران کتاب و زیر و رو کردن شصت کتابخانه و سفر به چند کشور، این شاهکار را آفرید و آنچه را محال می‌نمود، ممکن ساخت. تو گویی در قاموس او «محال» وجود نداشت تا توانست الذریعه را به وجود آورد.

گفتنیها بیش از این گفتار است و مرا باید گفتار را کوتاه کرد.

۱. برای نمونه بنگرید به اطلاعات رجالی درباره آل نویخت (الذریعه، ج ۱، ص ۶۹-۷۰)؛ سید دلدار علی تقوی نصرآبادی (ج ۱، ص ۸۴)؛ ابوالمظفر محمد ابیوردی (ج ۴، ص ۲۲۰)؛ ابوالحسن عباد بن عباس طالقانی (ج ۴، ص ۲۲۵-۲۲۶)؛ نصری طوسی (ج ۴، ص ۲۳۶-۲۳۷)؛ ابن غضائری (ج ۴، ص ۲۸۵-۲۹۱)؛ ابراهیم بن حکم بن ظهیرفزاری (ج ۷، ص ۱۸۷-۱۸۸)؛ جعفر شوشتری (ج ۷، ص ۱۶۶-۱۶۷)؛ سید بهاء‌الدین حسینی نیلی نجفی (ج ۸، ص ۸۱-۸۲)؛ ابن عمید قمی (ج ۱۰، ص ۲۴۰-۲۴۱).

۲. در خور گفتن است که طبقات اعلام الشیعه برآمده از کتاب الذریعه و مولود سامان یافته آن است. زیرا هنگامی که شیخ آقا بزرگ تهرانی به تحقیق برای تألیف الذریعه مشغول بود و نامهای مؤلفان و شرح حالشان را جستجو می‌کرد، دستمایه زیادی برای نگارش کتابی در رجال فراهم ساخت. سپس آن اطلاعات را گسترد و سامان داد و طبقات اعلام الشیعه را پدید آورد.

۳. دکتر محمد معین در فرهنگ فارسی (ج ۱، ص ۱۴۱)، ذیل واژه «اثر»، می‌گوید: برخی اثر را به معنی کتاب و نوشته غیر فصیح دانند، ولی استعمالهای گذشتگان مجوز استعمال آن است. ادیب سلطانی نیز می‌گوید: «اثر مفهومی است کلی و... به هر نوشته‌ای اطلاق می‌شود، چه کتابی قطور و چه مقاله‌ای کوتاه». میرشمس‌الدین ادیب سلطانی. راهنمای آماده ساختن کتاب. (چاپ اول: تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵). ص ۳.

۴. شاید در جهان، از دیرباز تا کنون، محققانی یافت نشود که شصت سال از عمر خود را صرف فراهم کردن یک کتاب کرده باشند. آغانی، حاصل پنجاه سال تحقیق ابوالفرج اصفهانی است. تاریخ تمدن، نتیجه نزدیک به پنجاه سال تلاش و پل و آریل دورانت است. الفتوحات المکیه، محصول نزدیک به چهل سال تحقیق ابن عربی است. جواهرالکلام، ثمره بیش از سی سال کار شیخ محمد حسن نجفی است. از صبا تا نیما، محصول بیست و پنج سال کوشش بحبی آریز پور است. کافی، دستاورد بیست سال تلاش ثقة‌الاسلام کلینی است. آری، گوته گوی سبقت را از همگان ربود و بیش از شصت سال از عمر خویش را صرف کتاب فاوست کرد و برای خلق یک کتاب بیش از همگنان خود تأمل و تأنی کرد. برای تحقیق بیشتر رجوع کنید به: محمد اسفندیاری. کتاب پژوهی: پژوهشهایی در زمینه کتاب و نقد کتاب. (چاپ اول: قم، نشر خرم، ۱۳۷۵). ص ۱۳-۴۸.

ثانیاً، و از همه مهمتر، نسخه‌شناسی است. زیرا اولاً نسخه‌های (مخطوطات) هر کتاب مطبوع و ثانیاً نسخه‌ها (کتابهای مخطوط)، در آن معرفی شده است. به سخن دیگر، هم در ضمن معرفی کتابهای مطبوع، نسخه‌های آن معرفی شده و هم کتابهای مخطوط (نسخه‌ها)، معرفی گردیده است. حاصل اینکه الذریعه به دو لحاظ نسخه‌شناسی است.

ثالثاً رساله‌شناسی است. زیرا نوشته‌های مختصرتر از کتاب و نسخه، که بین‌الدفتین نیست، در آن معرفی شده است. (این را بگویم و بگذریم که «رساله» در گذشته مانند «مقاله» در امروزه است و رساله‌های گذشتگان، به لحاظ قالب، مانند مقالات معاصران است. زیرا هم رساله و هم مقاله، مختصرتر از کتاب است و هم بین‌الدفتین نیست). بنابراین الذریعه، هم کتابشناسی است و هم رساله‌شناسی (می‌توانید بخوانید مقاله‌شناسی).

رابعاً رجال‌شناسی است؛ البته ضمناً و استطراداً. زیرا در معرفی شماری از مؤلفان بتفصیل از نسب و استادان و شاگردان و دیگر کتابهایشان و مجیزان و مجازان آنها در حدیث سخن گفته شده است. البته جای این دسته اطلاعات در کتابشناسی نیست و خوانندگان کتابشناسی انتظار ندارند که این اطلاعات را در آن بیابند؛ اما این اطلاعات در الذریعه آمده و لذا آن را، طرداً للباب، شامل رجال‌شناسی کرده است.<sup>۲</sup>

حاصل اینکه الذریعه، کتابشناسی و رساله‌شناسی و نسخه‌شناسی، و به طور ضمنی رجال‌شناسی، است. همان‌گونه که مؤلف، عنوان آن را الذریعه الی «تصانیف» الشیعه نهاده و نه الذریعه الی «کتب» الشیعه. پس اگر بخواهیم عنوانی معادل عنوان عربی این کتاب برگزینیم و با یک عبارت، کتاب را توصیف کنیم، باید بگویم «فرهنگ آثار شیعه». از آن رو «فرهنگ» می‌گویم که در الذریعه کتابها به ترتیب حروف الفبا معرفی شده است. و بدان رو «آثار» می‌گویم که اثر، به کتاب مطبوع و کتاب مخطوط (نسخه) و رساله و دیگر گونه‌های نوشته اطلاق می‌شود.<sup>۳</sup> این را هم اضافه کنیم که در الذریعه، روزنامه‌ها نیز معرفی شده است و، نیز بدین رو، اطلاق کتابشناسی به آن، جامع نیست. مختصر اینکه الذریعه، به تعبیر دقیق، «اثرشناسی» شیعه است و نه «کتابشناسی».

البته می‌توان کتابشناسی را توسعاً به معنی کتاب چاپی‌شناسی و کتاب خطی‌شناسی (نسخه‌شناسی) و رساله‌شناسی به کار برد؛ همان‌گونه که گاهی کتاب به معنی کتاب چاپی و خطی و رساله به کار برده می‌شود. با این توسع معنی کتاب، که البته مجاز است، مجاز است گفته شود الذریعه، کتابشناسی است. عیبی ندارد و «منطقی را بحث در الفاظ نیست.» لابد آنان هم که الذریعه را کتابشناسی

واپسین گفته اینکه الذریعة الى تصانیف الشیعة، هم مفصلترین و هم مهمترین کتابشناسی در جهان تشیع، و حتی در جهان اسلام، است. و در یک کلام، اگر الذریعة نبود، بسا تصانیف شیعه از میان رفته بود. شیخ آقابزرگ تهرانی با تألیف این کتابشناسی، همه کتابشناسان پیش از خود را به فراموشی کشاند و همه کتابشناسان پس از خود را به زحمت انداخت. باری، الذریعة «کتاب عصر» نیست، «کتاب دهر» است<sup>۱</sup> و مؤلف آن، مرد این روزگار نیست، مرد روزگاران است. حیات پیش از مرگ او دراز بود، اما حیات پس از مرگش درازتر خواهد بود.<sup>۲</sup>

۱. «که باد خزان را بر ورق او دست تطاول نباشد و گردش زمان، عیش ربیع آن را به طیش خریف مبدل نکند.» دیباچه گلستان سعدی، در وصف گلستان و، در واقع، در وصف همه کتابهای مانا.

۲. درباره زندگی شیخ آقا بزرگ تهرانی و آثار او، کتابها و مقالات متعددی نوشته شده که مهمترین آنها عبارت است از: شیخ آقابزرگ تهرانی. «شرح زندگی من». تاریخ و فرهنگ معاصر. (سال چهارم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۴). ص ۳۰۳-۳۱۶؛ سید احمد حسینی اشکوری. «زندگی نامه خود نوشت شیخ آقا بزرگ تهرانی». مندرج در کتاب مهدی مهریزی و علی صدرایی خویی. میراث حدیث شیعه. (قسم، دارالحدیث، ۱۳۷۷). ج ۱، ص ۴۰۱-۴۲۸؛ محمد علی حق شناس. «آقا بزرگ تهرانی، شیخ المورخین شیعه». کرانه. (سال اول، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۳). ص ۱۰۶-۱۲۱ (شامل زندگینامه خود نوشت شیخ آقابزرگ است)؛ الذریعة. ج ۱، ص ۱-ط؛ ج ۲۰، ص ج-یب؛ ج ۲۵، ص ۳۰۹-۳۱۰ و ۳۴۷-۳۵۰؛ طبقات اعلام الشيعة: القرن الرابع، نوايخ الزواة في رابعة المئات. (چاپ اول: بیروت، دارالکتاب العربي، ۱۳۹۰). ص ط-لب؛ عبدالرحیم محمدعلی. شیخ الباحثین آغابزرگ الطهرانی حیاته و آثاره. (چاپ اول: نجف، مطبعة النعمان، ۱۳۹۰)؛ محمدرضا حکیمی. شیخ آقابزرگ تهرانی. (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی). ص ۱-۶۵؛ علی تقی منزوی. «الذریعة و آقابزرگ طهرانی».

آینده. (سال ششم، شماره ۳-۴ و ۷-۸، خرداد - تیر - آبان ۱۳۵۹). ص ۲۴۷-۲۵۳ و ۵۸۸-۵۹۶؛ احمد منزوی. «معرفی الذریعة الى تصانیف الشيعة». کتابداری. زیر نظر ایرج افشار. (تهران، انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، ۱۳۵۲). د ۴، ص ۲۲-۲۵؛ محمد صحتی سردودی. آقا بزرگ تهرانی، اقبانوس پژوهش. (چاپ اول: قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶)؛ سید جلال قیامی میرحسینی. ده چهره، ده نگاه. (چاپ اول: مشهد، انتشارات خانه آبی، ۱۳۷۷). ج ۱، ص ۳۲۰-۳۵۵ (شامل گفتگو با احمد منزوی)؛ سعید نفیسی. «کتاب ذریعه و مؤلف آن». سخن. (سال دوم، شماره ۱۱ و ۱۲، دی و بهمن ۱۳۲۴). ص ۸۸۷-۸۸۹؛ محمد علی حق شناس. «الذریعة و طبقات دایرة المعارف‌های بزرگ شیعه». فصلنامه کتاب. (دوره نهم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۷). ص ۷-۳۳. ناصرالدین انصاری قمی. «گذری بر زندگانی علامه تهرانی قدس سره». مشکوة (شماره ۳۲، پاییز ۱۳۷۰). ص ۷۵-۹۷؛ همو. «زندگی و آثار علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی» و «برترین کتابشناسی شیعه (نگاهی به کتاب الذریعة)». آینه پژوهش. (سال پنجم، شماره ۵-۶، بهمن - اسفند ۱۳۷۳). ص ۴۱-۴۵ و ۵۳-۶۱؛ رضا مختاری. طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه. (چاپ اول: مرکز الغدير للدراسات الاسلامیة، ۱۳۷۶). ص ۴۰-۹۰؛ ناصر باقری بیدهندی. «نجوم امت: آیه‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی (علیه رضوان الباری)». نور علم. (دوره چهارم، شماره دوم، اسفند ۱۳۶۹). ص ۳۴-۵۹ و ۱۵۳؛ المحقق الطباطبائي في ذكره السنوية الأولى. (چاپ اول: قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۷). ج ۳، ص ۱۰۵۱-۱۰۵۵ و ۱۱۹۹-۱۲۰۵ و ۱۲۲۸-۱۲۳۰. سید محمود مرعشی نجفی. المسلسلات في الاجازات. (قم، مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی، ۱۴۱۶). ج ۲، ص ۷۶-۸۰؛ نورالله مرادی. «شیخ آقابزرگ تهرانی مرزبان حماسه خورشید». کیهان فرهنگی. (سال سوم، شماره ۱۱، بهمن ۱۳۶۵). ص ۲۵-۲۸؛ عبدالکریم آل نجف. «البخانة العالم آغابزرگ الطهرانی» الشوچید. (سال ۱۱، شماره ۶۲). جمادی الاولی - جمادی الثانیة ۱۴۱۳). ص ۶۵-۷۲؛ محمد آصف فکرت. مصنفاة شیعه: ترجمه و تلخیص الذریعة الى تصانیف الشيعة. (چاپ اول: مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲). ج ۱، ص یک - نه.

